



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ اسفند ۱۴۰۱
مصادف با: ۵ شعبان ۱۴۴۴
جلسه: ۸۰

موضوع کلی: احکام قطع
موضوع جزئی: آثار قطع - بررسی امکان جعل یا سلب آثار قطع - طبق مبانی مختلف -
طبق نظر مختار

سال چهاردهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بحث در امکان جعل یا سلب آثار قطع

بحث در این بود که حق در مسئله امکان جعل یا رفع آثار قطع چیست؟ نظر اصحاب و بزرگان در این زمینه مختلف است، گفتیم این مطلب را بر اساس مبانی مختلف باید بررسی کنیم.

۱. طبق نظر محقق اصفهانی

طبق نظر محقق اصفهانی برخی از آن آثار سه‌گانه اثر قطع محسوب نمی‌شدند، بلکه عین خود قطع بودند، آنها بحث ندارد، زیرا سخن در آثار قطع است، آن بخشی هم که به عنوان اثر ذکر شد، گفتیم طبق نظر محقق اصفهانی این قابل جعل است و قابل رفع، زیرا منجزیت و معذرت بر مبنای ایشان از قضایای مشهوره است یعنی القضا یا التي مما تطابقت علیها آراء العقلا؛ لذا حکم مجعول عقلایی است، اگر چیزی مجعول بود قابلیت رفع هم دارد. پس امکان جعل یا رفع بنا بر مبنای محقق اصفهانی وجود دارد.

۲. طبق نظر شهید صدر

شهید صدر قائل به این شدند که حجیت، ناشی از مولویت ذاتی خداوند است و مولویت ذاتی برای خداوند قابل جعل نیست، شارع متعال مولویتش ناشی از ذات خودش است که قبلاً توضیح دادیم این مولویت ذاتی اقتضاء می‌کند آنچه که خداوند تبارک و تعالی بیان می‌کند قابل جعل و رفع نباشد. پس طبق نظر شهید صدر حجیت به معنای منجزیت و معذرت اساساً ناشی از مولویت ذاتی خداوند است و لذا قابل جعل و رفع نیست.

۳. طبق نظر مشهور

مشهور معتقدند حجیت از لوازم لاینفک قطع است، منجزیت و معذرت، از لوازم ماهیت قطع است، یعنی قطع یک اثری دارد به نام حجیت، حال چه حجیت را به معنای منجزیت و معذرت بدانیم، چه به همان معنای لغوی خودش یعنی ما یحتج به العبد علی المولی؛ حجیت به طور کلی از قطع جدا شدنی نیست.

طبق این مبنا نیز لا یمکن جعله و لا یمکن رفعه؛ زیرا لازم ماهیت از ماهیت جدا نیست، وقتی قطع، آن ویژگی و خصوصیات را دارد، آثار و لوازمش به هیچ وجه قابل قرار دادن برای قطع و قابل برداشتن از آن نیست.

در مورد وجوب متابعت هم مسئله همینطور است، یعنی اگر ما قطع را دارای آثاری دانستیم و یکی از آن آثار وجوب متابعت باشد، وجوب متابعت و لزوم پیروی از قطع یکی از آثار آن محسوب می‌شود. اگر لزوم پیروی اثر و لازم قطع باشد این هم قابل جعل و قابل رفع نیست.

اما اگر کسی طریقت را یک اثر مستقل بداند بر مبنای مشهور این هم قابل جعل و قابل رفع نیست.

۴. طبق نظر محقق خراسانی

طبق نظر محقق خراسانی نیز مسئله همینطور است، کلام ایشان را بیان کردیم، هرچند ادله ایشان مورد مناقشه قرار گرفت ولی اصل مدعای ایشان را قبول داریم.

ایشان نیز معتقد است که آثار قطع که به نظر ایشان دو اثر هستند از قطع قابل سلب نیستند و برای قطع قابل جعل نیستند.

۵. طبق نظر امام خمینی

امام خمینی و برخی دیگر از بزرگان یک مبنایی داشتند. امام خمینی مسئله وجوب متابعت را به عنوان اثر قطع قبول کردند، حجیت را نیز قبول کردند، ولی در مورد حجیت تعبیرشان این بود، «فهی حکم عقلی مترتب علی القطع» حجیت یک حکم عقلی مترتب بر قطع است.

اینکه ما حجیت را اثر قطع یا یک حکم عقلی مترتب بر قطع بدانیم با هم فرق می‌کند.

اگر گفتیم اثر قطع است این یک اثر ذاتی است، یک لازم ذاتی است، لازم ماهیت قطع است، ایشان یک تعبیر داشتند که لازم وجود است. ولی اگر گفتیم اینها از لوازم ماهیت قطع هستند، قهرا نتیجه روشن است، اینها قابل جعل و سلب نیستند، کسی نمی‌تواند حجیت را به اینها بدهد یا سلب کند، زیرا خودشان دارند.

اما اگر گفتیم حجیت یک حکم عقلی است کما اخترا، چه این که در مورد وجوب متابعت نیز همین را گفتیم، (حال بر مبنای مختار توضیح خواهیم داد). معنایش این است که اگر تکلیفی از سوی مولی واصل شود ما باید پیروی کنیم و این برای ما حجیت دارد. حجیت، یعنی در صورت اطاعت و اصابه به واقع مستحق پاداشیم و در صورت عدم اصابه به واقع عذر داریم، ولی اگر معصیت کنیم مستحق عقاب هستیم. این، به نظر ایشان حکم عقل است، یعنی عقل این را به عنوان یک مصداقی از لزوم اطاعت مولا و حرمت معصیت مولی می‌داند و الا چیز جدایی غیر از حرمت معصیت و وجوب اطاعت مولی ما نداریم. عقل می‌گوید مولی واجب الاطاعه است، مولا حرام المخالفه است، این را عقل می‌فهمد، منتهی این را در موارد مختلف تطبیق می‌دهد یکی از این موارد جایی است که انسان قطع به حکمی پیدا کند.

پس خود قطع خصوصیتی ندارد، حجیت یک اثر برای قطع نیست، حجیت به معنای منجزیت و معذرت در حقیقت یک حکم عقلی است، یک نمونه و مصداق و مورد از موارد عقلی حرمت معصیت مولا و وجوب اطاعت مولی است. پس:

اولا معلوم شد که به نظر ایشان حجیت اثر قطع نیست بلکه یک حکم عقلی است، اگر گفتیم حکم عقل است، دیگر معنا ندارد که شارع اینجا حجیت را جعل کند «لگونه لغوا» عبارت ایشان این است «و من هنا لا یصح للشارع جعل الحجیه للقطع لگونه لغوا لا لگونه من لوازم الماهیه» چون حجیت یک حکم عقلی است، جعلش از طرف شارع لغو می‌شود، نه به خاطر این که از لوازم ماهیت است و ممتنع بلکه به این جهت که لغویت لازم می‌آید. البته دیروز هم گفتیم خود صدور یک امر لغو از ناحیه حکیم هم ممتنع است، اما حیث امتناع اینجا فرق می‌کند، مرتبه اش متفاوت است. بنابراین طبق نظر امام خمینی نیز جعل حجیت صورت نمی‌گیرد؛ و لایصح، به خاطر لزوم لغویت.

اما وجوب متابعت هم به نظر امام خمینی لا یمکن جعله و لا یمکن سلبه و کذلک الطریقیه.

۶. طبق نظر مختار

ما مسئله امکان جعل و امکان رفع آثار را طبق مبانی مختلف بیان کردیم. حال این مسئله را طبق مبنای خودمان مطرح می‌کنیم.

نظر ما در مورد آثار سه‌گانه این بود که:

و جوب متابعت قطع لا یكون اثرا للقطع، بلکه یک حکم عقلی است، این که از قطع باید پیروی کرد و لازم است مکلف متابعت قطع کند، اثر قطع نیست، زیرا اولاً قطع که لزوم پیروی ندارد، آنچه لزوم پیروی دارد مقطوع به است و وقتی مقطوع به، به ما واصل شد لزوم عقلی اطاعت مولی و عدم جواز معصیت مولی اقتضا می‌کند به این مقطوع به عمل کنیم، پس این یک حکم عقلی است و اثر قطع محسوب نمی‌شود.

حجیت نیز اثر قطع محسوب نمی‌شود، آن هم یک حکم عقلی است، به همین بیانی که الان در توضیح مبنای امام خمینی گفتیم اینجا نیز همینطور است. اینکه قطع برای ما حجت است یا به تعبیر دیگر قطع منجز و معذر است نیز حکم عقل است، اثر قطع نیست، یعنی لازم لاینفک قطع نیست، لازم ماهیت قطع نیست، عقل ما وقتی قطع را ملاحظه می‌کند و مقطوع به را می‌بیند حکم می‌کند به لزوم اطاعت و استحقاق عقاب در صورت مخالفت.

در مورد اثر سوم هم گفتیم طریقت اصلاً لا یعد اثراً للقطع، طریقت و کاشفیت عین قطع است (حال یک نکته‌ای در مورد طریقت و کاشفیت وجود دارد که آن را عرض می‌کنم، در حقیقت یک سوالی که اینجا مطرح شد آن را انشاء الله پاسخ خواهیم داد). حال سخن در این است که آیا این سه حکم که به عنوان آثار قطع شمرده شده‌اند، قابلیت جعل یا رفع دارند از قطع دارند یا خیر؟ ما این مطلب را طبق هر سه مبنا توضیح دادیم. حال روی مبنای خودمان:

گفتیم و جوب متابعت و پیروی از قطع اثر قطع نیست، اما یک حکم عقلی است. اگر گفتیم این یک حکم عقلی است، قابل جعل است یا خیر؟ قابل جعل نیست و اگر شارع بخواهد و جوب متابعت را برای قطع جعل کند، لغویت پیش می‌آید، وقتی عقل ما حکم می‌کند به اینکه باید از مقطوع به پیروی کنید، اطاعت مولی واجب است، معصیت مولی حرام است، وقتی عقل ما این را می‌فهمد، دیگر جا دارد که شارع بگوید مردم من بر شما واجب می‌کنم که از قطع پیروی کنید؟ با وجود آن درک عقلی جعل و جوب پیروی لغو خواهد بود.

بله شارع می‌تواند ما را ارشاد به حکم عقل کند، این دیگر جعل نیست، وقتی می‌گوییم جعل یعنی حکم مولوی؛ یک جایی شارع با یک بیانی بگوید ای مردم از قطعتان پیروی کنید، این مثل «اطیعوا الله» می‌ماند که یک حکم ارشادی است، دیگر جعل مولوی نیست، سخن در مورد جعل مولوی است و همینطور سلبش، شارع نمی‌تواند سلب حجیت بکند یعنی نمی‌تواند بر خلاف حکم عقل چیزی بگوید؛ دلیل بر عدم امکان سلب حکم عقل به لزوم پیروی از قطع به وسیله شارع این است که شارع نمی‌تواند بر خلاف حکم عقل حکم کند، این اصلاً محال است. فرضاً عقل ما می‌گوید این عالم حادث است، با آن صغری و کبری که دارد، شارع نمی‌تواند بگوید این عالم حادث نیست، شارع نمی‌تواند حکم بر خلاف عقل قطعی بدهد.

در مورد اثر دوم، یعنی حجیت، هم هکذا. ما گفتیم حجیت به معنای منجزیت و معذرت اثر قطع نیست، بلکه حکم عقلی است. یعنی عقل ما چون حکم به لزوم اطاعت مولی و حرمت معصیت مولی دارد، به عنوان کبری، در هر جایی که این دو عنوان اطاعت و معصیت احراز شود، آن حکم خود به خود می‌آید. این قابل جعل و رفع نیست. وقتی عقل ما اینجا حکم دارد، دیگر شارع نمی‌تواند بگوید نه، اینجا من می‌گویم قطع حجت نیست، رفع کند حجیت را از قطع، نمی‌تواند این کار را بکند. لذا نه می‌تواند جعلش کند، زیرا یلزم منه اللغویه، همان بیانی که امام خمینی داشتند، «و من هنا لا یصح للشارع جعل الحجیه للقطع لکونه لغوا».

طریقیت و کاشفیت برای قطع هم نه قابل جعل است نه قابل سلب. زیرا اساسا این اثر قطع نیست، بلکه عین قطع است. اگر طریقیت و کاشفیت عین قطع بود، دیگر عین قطع را نمی‌توان به او داد یا از او گرفت، عین قطع برای قطع، نه قابل جعل است نه قابل سلب. پس بر مبنای مختار نیز هیچ یک از این اقسام سه‌گانه را نه می‌توان براق قطع جعل کرد و نه هیچ کدام را سلب کرد. پس هیچ کدام از این احکام سه‌گانه اینطور نیست، منتهی بیان‌ها فرق می‌کند. طبق نظر محقق اصفهانی این دو اثر قابل جعل است، اما طبق سایر مبنای چه مبنای مشهور و چه مبنای محقق خراسانی و چه مبنای امام خمینی و چه مبنای مختار، هیچ کدام قابلیت جعل ندارند، هیچ کدام قابلیت سلب ندارند، لکن بیان‌ها مختلف است. طبق یک بیان امکان ندارد، زیرا لازم ذاتی قطع است، لازم ماهیت قطع است و انفکاک بین لازم و ملزوم یعنی خود ماهیت ممکن نیست.

طبق برخی مبنای سر از لغویت در می‌آورد، زیرا اصلا حکم عقل است، اثر قطع نیست، لازم قطع نیست ولی چون عقل آن را می‌فهمد اگر بخواهد توسط شارع جعل یا سلب شود، سر از لغویت در می‌آورد. ملاحظه کردید که طبق هر یک از این انظار مسئله بیان شد و بررسی شد.

بحث جلسه آینده

یک نکته اینجا باقی مانده است که باید بیان شود و در سؤال‌ها نیز مطرح شد و احساس کردیم که این مسئله حل نشده است هنوز و آن اینکه می‌گوییم قطع طریقیت و کاشفیت دارد، بعضی از اوقات قطع اصابه به واقع نمی‌کند، این چه کاشفیتی است که ما را به واقع نمی‌رساند؟ شما می‌گویید طریق و کاشف، اما این ما را به واقع نمی‌رساند در بعضی از اوقات، این چه طریق و کاشفی است که ما را به واقع نمی‌رساند؟ این یک پرسشی است که انشاء الله در جلسه بعد به آن می‌پردازیم.

«والحمد لله رب العالمین»